



راه غلبه شیطان بر انسان‌ها/ علت دشمنی کردن انسان‌ها با هم

آیت الله قرهی گفت: چون شیطان عداوت با انسان را عداوت خود انسان‌ها با هم می‌داند.

آیت الله قرهی گفت: چون شیطان عداوت با انسان را عداوت خود انسان‌ها با هم می‌داند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن درس اخلاق اخیر آیت الله قرهی برای علاقه مندان در پی می‌آید.

در جلسه گذشته عرض کردیم که چرا پروردگار عالم فرمود «قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ». یک دلیل این است که چون شیطان عداوت با انسان را عداوت خود انسان‌ها با هم می‌داند که اگر بخواهد بر انسان‌ها غلبه پیدا کند، تنها راهش این است که بین انسان‌ها عداوت و دشمنی راه بیندازد.

اما علت این که انسان‌ها با هم دشمن می‌شوند چیست و این عداوت چگونه است؟ یک دلیل آن همین تجلی دنیا بما هی دنیا برای انسان است. طوری دنیا را برای انسان تجلی می‌دهد که انسان‌ها برای رسیدن به این دنیا و مافیهای آن با هم دشمن شوند.

علت دشمنی کردن انسان‌ها

در جلسه گذشته نکته‌ای را عرض کردیم که پروردگار عالم فرمود «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا» از چه چیزی؟ از آن که پروردگار عالم فرموده بود از هر چه در این بهشت می‌خواهد بخورد «حَيْثُ شِئْتُمَا» اما «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» که ظلم به خود انسان است و انسان خودش به خودش ظلم می‌کند. پس علت دشمنی کردن بی‌پروائی است. انسان به آنچه که منع می‌شود، ورود پیدا می‌کند و گرفتار می‌شود.

لذا امیرالمؤمنین بیان فرمودند: «عِلَّةُ الْمُعَادَاةِ قِلَّةُ الْمُبَالَاةِ» [۳] علت دشمنی کردن بی‌پروائی است. یعنی وقتی انسان نسبت به آن چیزی که به او می‌گویند در آن توقف کند، توقف نکند، دشمنی بوجود می‌آید و برای او خروج از مقام سلم و مقام انسانیت ایجاد می‌شود.

پروردگار عالم به ابانا آدم و امنا حوا انذار داد و فرمود مراقب باشید، اولاً بیان کرد هر چه دلتان می‌خواهد، اشکال ندارد «وَكَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا» اما از آن طرف فرمود فقط به این نزدیک نشوید «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» وقتی رعایت نکردند و مبالات صورت گرفت و بی‌پروائی نسبت به امر پروردگار عالم شد، معلوم است «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» حالا خود این عامل می‌شود که در دنیا هم وقتی کسی امر پروردگار عالم را رعایت نکند، برای خود بشر هم دشمنی‌ها بوجود بیاید. به تعبیر دیگر آن کسی که امر پروردگار عالم را سبک بگیرد، خصوصیتش این می‌شود که بین خود انسان‌ها هم عداوت بوجود می‌آید.

لذا امیرالمؤمنین فرمود: «عِلَّةُ الْمُعَادَاةِ قِلَّةُ الْمُبَالَاةِ». این نکته خیلی مهمی است که دلیل این دشمنی‌ها همین است.

موعظه جبرئیل به پیامبر

لذا ذیل همین «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وجود مقدس پیغمبر اکرم، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «مَا أَتَانِي جِبْرِيلُ عَ قَطٍّ إِلَّا وَعَظْنِي فَأَخَّرَ قَوْلَهُ لِي إِيَّاكَ وَ مُشَارَةَ النَّاسِ فَإِنَّهَا تَكْشِفُ الْعَوْرَةَ وَ تَذْهَبُ بِالْعَزْ» [۴].

البته به قول اولیاء خدا این از باب این است که پیامبر می‌خواهد به مردم بگوید جبرائیل و میکائیل و ملائکه الله این را فهمیدند اما شما متوجه نشدید، نه اینکه بالجد جبرائیل بخواهد پیامبر را موعظه کند. گر چه انبیاء دائم به جبرائیل هم بیان می‌کردند که ما را موعظه کن که این کار اولیاء خداست. اولیاء خدا، بزرگان و اعظم اتفاقاً گاهی به آن کسی هم که زیردست آن‌هاست، به تعبیری برای این که همیشه خود را در مقام تهذیب و تزکیه قرار بدهند، ولو به این که عصمت کامله مثل پیغمبر هم باشند، بیان

می کنند: من را موعظه کن «وَعَظَنِي». این خصوصیت اولیاء خداست و این طور نیست که آن ها بگویند ما خودمان بلدیم و می دانیم، ما را چه به موعظه؟! خیر.

مع الأسف گاهی غرور و تکبر و غفلت وجود انسان را می گیرد و تصوّر می کند خودش همه چیز را می داند اما نبی مکرم با آن عظمتش، آن که «لو لاک لما خلقت الافلاک» است و دیگر بالاتر از ایشان نیست، تمام ملائکه الله، تمام عرش و تمام فرش همه به یمن وجود پیامبر است - بارها عرض کردم پروردگار عالم که نیازی به ملک ندارد، به تعبیر خود قرآن کریم و مجید الهی با «کن فیکون» تمام است.

نعوذ بالله اگر بگوییم خدا در امور عرش خود یا در امور خلقت نیاز به ملائکه الله دارد، نعوذ بالله و نستجیر بالله این نقص برای پروردگار عالم است. خدا قادر متعال است. عرض کردیم اولیاء خدا به درستی بیان کرده اند که حتی این «کن فیکون» هم برای این بیان شده که ما مخلوقیم و مخلوق چون محدود است با محسوسات و ملموسات سر و کار دارد. یعنی بالاخره تا چیزی را متوجّه نشویم، ایمان نمی آوریم. لذا می گوییم خدا فرموده بشو، می شود و إلاً اصلاً خدا نیاز ندارد بگوید بشو، اراده ذاتیه احدیت، یعنی همین که اراده کند، خود خلقت ساز

است، آن هم به بهترین وجه. آن علیم حکیم، آن قادر متعال. لذا همه خلقت برای پیامبر است - برای این که به من و شما یاد بدهد، می گوید: من پیغمبر هم که در عصمت کامله هستم و به اذن الله تبارک و تعالی امور به دست من هست، به جبرائیل می گویم مرا موعظه کن. این یک نکته است.

اما نکته دیگر این که با این کار ایشان می خواهد به امت بیان کند که بدانید حتی ملائکه مقرب خدا مثل جبرائیل امین (ع) هم بارها به انسان ها سفارش کردند مراقب باشید دشمنی نکنید و آنچه که در دنیای امروز هست، همین دشمنی هاست. مراقب آن اندازی که پروردگار عالم قبل از هبوط فرمود که بعضی از شما با بعضی دیگر دشمن می شوید، باشید «قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ».

لذا پیامبر (ص) فرمودند: «مَا أَتَانِي جِبْرِئِيلُ عَ قَطٍّ إِلَّا وَعَظَنِي فَأَخَرُ قَوْلُهُ لِي إِيَّاكَ وَ مُشَارَةً النَّاسِ فَإِنَّهَا تَكْشِفُ الْعَوْرَةَ وَ تَذْهَبُ بِالْعِزِّ» نشد هیچ موقع جبرائیل نزد من بیاید مگر این که مرا پند دهد و هر موقع هم پند می داد، مطالبی را می گفت اما همیشه آخرین مطلبش این بود که از دشمنی کردن با مردم پرهیز کنید؛ چون که این عیب نهفته را آشکار می کند و عزّت و احترام را از بین می برد. این خصوصیت دشمنی است.

اس و اساس جهل

اما خود این دشمنی دلالت بر جهل است. لذا مولی الموالی، امیرالمؤمنین، اسدالله الغالب علی بن ابیطالب (ص) فرمودند: «رَأْسُ الْجَهْلِ مُعَادَاةُ النَّاسِ» [۵] اصلاً رأس جهل و سر او، یا به تعبیر دیگر اس و اساس در جهل، دشمنی با مردم است. پس دشمنی نکنید.

مهمترین نهی بعد از نهی از بت پرستی

لذا باز پیامبر یک طور دیگر فرمودند. فرمودند: «مَا تُهَيِّتُ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ مَا تُهَيِّتُ عَنْ مُلَاحَاةِ الرِّجَالِ» [۶] بعد از نهی شدن از عبادت بتان این مطلب است که با مردم دشمنی نکنید. بعد از نهی شدن از عبادت بتان نهی نشدم مگر این که با مردم دشمنی نکنم.

این دشمنی ها هم علت دارد. امیرالمؤمنین می فرماید: «عَلَهُ الْمَعَادَاةُ حُبُّ الدُّنْيَا» حُبّ به دنیا عامل دشمنی هاست.

پس چرا دشمنی ها به وجود می آید؟ چرا عداوت ها به وجود می آید؟ به خاطر حُبّ به دنیا. اگر حُبّ به دنیا نباشد، برادران مؤمن که با هم دشمن نمی شوند. گرچه اصل دشمن برای ما ابلیس است و نفس ما، که «أَعْدَى عَدُوِّكَ تَقْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» [۷]. این نفس دون و دشمن بیرونی عامل می شوند که مردم با هم دشمنی کنند که اولاً دشمن خودشان می شوند و بعد دشمن دیگران.

چرا دشمن را عداوت می نامند؟

لذا فرمودند: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْعَدُوُّ عَدُوًّا لِأَنَّهُ يَعْدُو عَلَيْكَ فَمَنْ دَاهَتْكَ فِي مَعَايِكَ فَهُوَ الْعَدُوُّ الْعَادِي عَلَيْكَ» [۸] دشمن را به این

سبب عدو نامیدند که به تو تعدی می کند. پس هر کسی در عیب‌هایت با تو مسامحه کند، یعنی آن‌ها را نگوید تا رفعش کنی، نگوید: آقا مواظب باش، این کار را نکن، آن کار را نکن، دشمن توست.

چون ما بعضی مواقع فکر می کنیم اگر رفیقمان عیب ما را گفت، دشمن ماست، گرچه او هم باید مخفی و در تنهایی بگوید. فقط دو گروه را گفته‌اند که اگر علن هم عیبتان را گفتند، ناراحت نشوید، و علن آن‌ها را به عنوان تنبیه خدا بدانید. اولیاء خدا به عنوان چوب تنبیه خدا بیان کردند که بر سر شما فرود می آید و شما را بیدار می‌کند. یکی پدر و مادر، گرچه پدر و مادر هم مخفی بگویند، خیلی خوب است اما اگر یک موقع علن هم گفتند، نگران نباشید. دوم استاد. استاد هم اگر علنی دعوایتان کرد، نباید ناراحت شوید؛ چون چوب خداست، تازه باید خوست هم بیاید. مع‌الأسف اگر به ما بگویند که این کار را نکن، بدمان می‌آید.

فکر می‌کنیم که با ما دشمن هستند؛ برعکس. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «إِذَا سَمِيَ الْعَدُوُّ عَدُوًّا لَأَنَّهُ يَعْدُو عَلَيْكَ» دشمن عدو نامیده شد چون به تو تعدی می‌کند اما «فَمَنْ» فاء بر سر من آمده است، معنایش می‌شود پس به تحقیق چون گفتیم فاء هم معنای پس می‌دهد و هم معنای تحقیق. فاء حرف است و حرف من الکلمه است. کلمه سه نوع است، اسم است و فعل است و حرف، «کلمه واحده تدل علی معانی المختلفه» یک کلمه است اما معانی مختلف دارد.

در باب الحروف ابن فارس و سیبوی چند معنا برای فاء قرار دادند، بعضی از آقایان برای آن در ادبیات هشت معنا هم گرفته‌اند اما این جا همین دو معنا را استفاده می‌کنیم. - پس به تحقیق آن کسی که «دَاهَتْكَ فِي مَعَايِكَ» از معاویت چشم‌پوشی کرد و با تو مسامحه کرد، «فَهُوَ الْعَدُوُّ الْعَادِي عَلَيْكَ» او دشمن تعدی‌کننده به توست. تو خوست آمد که عیبت را دید و هیچی به تو نگفت اما اگر به تو نگوید، دشمن توست.

سبب عداوت در دنیا

اما سبب عداوت در دنیا چیست؟ امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «بطن المرء عله العداواه للدنیا» شکم آدم علت دشمنی و عداوت کردن در دنیا است. حضرت به تعبیر عامیانه بیان فرمودند که همه بفهمیم. به تعبیر دیگر برای لقمه دنیا دودیدن، برای دو زار پول، برای رسیدن به دنیا، برای جمع آوری مال و منال، این‌ها علت دشمنی است. پس چرا مردم با هم در دنیا دشمن می‌شوند؟ برای دنیا.

اهمیت وصیت و تقسیم مال در زمان حیات

مع‌الأسف یک نمونه بارز آن که این بدبختی انسان است، موقعی است که بحث ارث پیش می‌آید. لذا عزیزان من! سعی کنید تا در دنیا هستید، به خصوص آن‌هایی که سنی دارند، البته جوان و پیر ندارد اما تا در همین دنیا هستید، اوالتان را بدهید. اولاً یک سومش که برای خودتان است. این را خودتان با دست خودتان انفاق کنید و بعد هم خودتان تا زنده‌اید به فرزندانان بدهید. برای بچه‌هایتان عروسی بگیرید و به بچه‌هایتان کمک کنید. وقتی بمیرید می‌خورند و یاد آن موقعی هم می‌افتند که به آن‌ها سخت می‌گرفتید.

نعوذبالله، نستجیربالله بد و بیراه هم به شما می‌گویند و سر قبورتان هم نمی‌آیند. می‌گوید: این بابام سخت‌گیری می‌کرد. این فلان فلان شده این‌طور بود. حالا من می‌خورم و چنین می‌کنم. لذا تا زنده‌اید، خودتان با دست خودتان تقسیم کنید و به بچه‌هایتان بدهید. نه این که همه آن را بدهید که از خانه بیرونتان کنند، این‌طور هم نباشد اما تا زنده‌اید خودتان بدهید، چون بعد از مرگتان سر اموال دعا می‌شود.

یک روایتی دیدم که یادم باشد هفته آینده بیاورم. این روایت را سال‌های پیش خوانده بودم و سندش را بررسی کرده بودم که بسیار عالی بود. در این روایت شریفه بیان می‌فرماید: موقعی که کسی وصیت نکند و بعد از مرگش وراثت سر ارث با هم درگیری پیدا کنند، پروردگار عالم آن شخصی را که وراثت به واسطه اموال او با هم درگیر می‌شوند، لعنت می‌کند. این‌ها این‌جا در دنیا سر مال دعا می‌کند اما او مورد لعنت خدا قرار می‌گیرد. چون وصیت نکرده، وراثت سر این دنیا، سر این شکم، سر ارث با هم درگیری پیدا می‌کنند. آن بدبخت مرده است، اموالش را هم در این دنیا گذاشته و هیچ چیز نبرده است.

خاطرتان جمع که یک سومش را هم خرج او نمی‌کنند. امروزه که سنت شده سوم و هفتم را که با هم می‌گیرند. بعد هم گاهی به دروغ می‌گویند دادیم برای خرج ایتم. چهل را هم دیگر نمی‌گیرند و می‌گویند می‌رویم سر خاک. سال هم که وقتی چهل را سر خاک می‌روند، دیگر سالی نمی‌گیرند. چون بعضی مواقع ما می‌پرسیم سال پدرتان شده، می‌گوید: دیگر همه خودشان رفتند سر خاک و ... لذا عزیز دلم! وراثت خرجی برایت نمی‌کنند. به اندازه ختمت هم برایت خرج نمی‌کنند. پس برای که بگذاریم؟ اگر

وصیت هم نکنیم و تازه سر ارث هم با هم دعا کنند، در روایت داریم آن‌ور ما از ناحیه خدا ملعون می‌شویم. خیلی عجیب است.

وصیت کردن، عاملی برای طول عمر

ضمن این که در روایت داریم وصیت طول عمر می‌آورد. بعضی از وصیت کردن نترسند. وقتی می‌گویی: آقا وصیت کن، می‌گویی: خودت وصیت کن. مگر من می‌خواهم بمیرم؟! فکر می‌کند وقتی می‌گویی وصیت کن، یعنی دیگر می‌خواهی بمیری. نه عزیز دلم! من باید وصیت کنم، جوان هم باید وصیت کند، مسن‌تر و پیرمردتر از من هم باید وصیت کند. همه باید وصیت کنند.

حتی گاهی باید سالانه وصیت را تغییر دهی. حداقل اگر یک تغییر و تحولی در زندگی‌ات ایجاد شد، باید وصیت‌نامه‌ات را تغییر دهی. عزیز دلم! مرگ هم خبر نمی‌کند و برای هیچ کس هم تضمین نکردند که الان که از این‌جا رفت، تا صد سال دیگر زنده است یا زنده نیست. هیچ کس کارش معلوم نیست. مرگ هم برای کسی تعهدی نیست که تو فلان موقع می‌میری. به هیچ کس هم خبر نمی‌دهند و این لطف خداست؛ چون اگر خبردار شود که دق می‌کند. لذا دست خداست. ولی همین هم یک خطر است، چون معلوم نمی‌کند. پس خیلی مواظب باشیم.

فرمودند: علت دشمنی انسان‌ها در دنیا شکم است؛ به تعبیر دیگر به خاطر دنیا است.

امام جواد(ع) فرمودند: «قَدْ عَادَاكَ مَنْ سَتَرَ عَنْكَ الرُّشْدَ اتِّبَاعاً لِمَا تَهْوَاهُ» [۹] کسی که به خاطر دلخواهی تو و دنیا، راه درست را از تو پنهان کند و تو را به دنیا دعوت کند، دشمن‌ترین دشمنان توست. نگویید که دنیاپرستی بد است، نگویید که حبّ به دنیا برای تو ضرر دارد، می‌فرماید این شخص دشمن توست.

چه کنیم که در دنیا دچار دشمنی نشویم؟

لذا چند چیز که باز عاملش دنیا است، دشمنی می‌آورد. مثل غضب و شهوت که این‌ها عاملش باز همین دنیا است و دشمنی می‌آورد.

یک روایت بخوانم و بعد به آیات برگردم. برای امشب در همین حد بس باشد. داریم بیان می‌کنیم چرا پروردگار عالم می‌گوید وقتی شما در دنیا می‌روید، با هم دشمن می‌شوید. پیغمبر اکرم، محمد مصطفی(ص) فرمودند: «وَالَّذِي تَقْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ عَدُوٍّ أَعْدَى عَلَى الْإِنْسَانِ مِنَ الْعُصْبِ وَالشَّهْوَةِ فَاقْمَعُوهُمَا وَاعْلِيُوهُمَا» «لانهما وسيلة عداوة بين الناس» [۱۰]

این روایت عجیب به تعبیری کلید و نسخه‌ای است که چه کنیم در دنیا دچار دشمنی نشویم. حضرت فرمودند: سوگند به کسی که جانم به دست اوست، یعنی خدا، هیچ چیز برای انسان دشمنی درست نمی‌کند و دشمن‌تر از غضب و شهوت نیست. لذا فرمودند: این دو را سرکوب کنید، بر آن‌ها غلبه پیدا کنید و آتش آن‌ها را فرو بنشانید؛ چون این دو باعث عداوت بین انسان‌ها در دنیا هستند.

انواع شهوات

پس دشمنی‌ها از چه چیز شروع می‌شود؟ از شهوت. حالا شهوت چیست؟ در بحث اخلاق در باب خواطر که داریم بیان می‌کنیم، می‌گویند در روایات شهوت، فقط شهوت جنسی نیست، شهوت قدرت، شهوت مال، شهوت ریاست، این‌ها هم شهوت است. حتی عرض کردم اگر کسی در سواد، این درس خواندن‌ها - مدارج علمی سواد است - گیر کند شهوت است. «العلم حجاب الاکبر» گفتیم علم کلی است و الا علم حقیقی نور است «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ» [۱۱]. پس گاهی همین هم شهوت می‌شود. فقط دوست دارد درس بخواند. فقط دوست دارد درس بدهد. پس خدمت به خلق خدا چه؟! لذا می‌گویند این شهوت درس دارد.

خیلی عجیب است، برای همین می‌گویند انسان باید خودش را در حصن حصین علمای ربانی قرار دهد که به تعبیر امروزی‌ها او را یک چکاپ کند و ببیند وضعش چگونه است. گاهی گرفتار عنوان این شهوت است، به تعبیر عامیانه امروزی - عذر می‌خواهم - گرفتار پرستیژ است، این بدبخت است. این هم شهوت است. شهوت انواع دارد. همین «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَةً» [۱۲]، حساب‌های بانکی شهوت است، شهوت مال است.

نسخه‌ای برای برون رفت از شهوت

بگذارید یک نسخه ای بیان کنم. بیان کردند اگر می‌خواهید از این شهوات بیرون بیاید، به خصوص این که انسان متکبر می‌شود و شهوت پیدا می‌کند، خود تکبر شهوت است. موقعی که می‌خواهید صلوات بفرستید صلوات جلی بر محمد و آل محمد بفرستید.

یکی شخصی دو سال پیش در ماه مبارک رمضان غریق رحمت الهی شد. در حالی که برای اهل بیت آشپزی و خدمت می‌کرد، برق او را می‌گیرد و از دنیا می‌رود که خوشا به سعادتش! خادم اهل بیت بود و برای ایشان کار کرد و از دنیا رفت. یکی از خصوصیات ایشان که مردم او را به آن می‌شناختند این بود که هر موقع صلوات می‌فرستادند، صلوات بلند می‌فرستاد. چندی پیش یکی از بستگان ایشان که جوان بسیار خوب و مؤمن، متقی و صادقی است و من او را می‌شناسم، خواب ایشان را دیده بود و در خواب می‌دانسته که از دنیا رفته است، پرسیده بود: آن‌جا چه به دردت خورد؟ گفته بود: صلوات. آن‌جا هیچ چیز به دردم نخورد، جز صلوات بر محمد و آل محمد.

اول گوشمالی بعد از مرگ

لذا عزیز دلم! گاهی شهوت این است که انسان به تعبیری یک پرستیژی برای خودش قائل شود. انسانی که او را در خاک می‌گذارند. انسانی که بارها عرض کردم اول گوشمالی او این است که هنوز قبل از این که سنگ لحد را بگذارند، صورت را باز می‌کنند و بر خاک می‌گذارند. وقتی در غسلخانه غسل می‌دهند و کفن می‌کنند، واجب است بند کفن را ببندند، این مستحب نیست، از واجبات است. حالا از غسلخانه تا وقتی که در قبر می‌گذارند چقدر است، ده دقیقه، نهایت یک ربع. در بعضی از روستاها و شهرستان هم که این‌ها نزدیک است، همان‌جا غسل می‌دهند و همان‌جا هم دفن می‌کنند.

حالا در بهشت زهرا، لا اله الا الله بگو و در ماشین بگذار، تا بیاید ده دقیقه، یک ربع طول می‌کشد. خیلی جالب است، حالا وقتی درون قبر می‌گذارند واجب است که بند کفن باز شود. شما که بنا ده دقیقه دیگر باز کنی، نمی‌بستی اما یک جا واجب بود بسته شود و این‌جا واجب است بند کفن باز شود و صورت روی خاک گذاشته شود. آقایی که تا دیشب اگر بالش او عوض می‌شد، خوابش نمی‌برد یا اگر در جایی غیر از خانه خودش می‌خوابید، خوابش نمی‌برد، حالا این‌جا می‌گویند باید بالش خاک باشد و صورتش را روی خاک می‌گذارند. لذا این که دیگر تکبر ندارد. به تعبیری کلاس و از این حرف‌ها ندارد.

علت بیان اسم پدر در تلقین میّت

بعد به آن آقایی که تا دیروز اگر به او فقط اسمش را می‌گفتند ناراحت می‌شد، می‌گفت: من دکترا گرفتم و چنین هستم و ...، حالا می‌گویند: «اسمع افهم یا فلان ابن فلان» خانم هم باشد «اسمعی افهمی یا فلان بنت فلان» فقط اسم کوچکش را می‌برند و اسم پدرش. تازه بارها گفتم از امام صادق سؤال کردند آقا چرا اسم پدر را می‌آورند و مادر را نمی‌آورند؟ فرمودند: این اسم پدر را هم برای این می‌آورند که بگویند حلال زاده است و پدرش معلوم است.

یعنی دیگر همه عناوین در دنیا تمام شد؛ آیت‌الله العظمی، مرجع عظام و ...، امام به آن عظمت، آن امام العارفین را هم وقتی درون قبر گذاشتند، گفتند: «اسمع افهم یا روح الله ابن مصطفی»، تمام شد. عزیز دلم! همه چیز تمام می‌شود. دنیا فریمان ندهد، گرفتار شهوتان نکند، شهوت‌های مختلف، بیچاره‌مان نکند. عزیزان من! خیلی مواظب باشیم. در قبر هم همین را می‌گویند، این شانه را می‌گیرند و به من می‌گویند: «اسمع افهم یا روح الله ابن محمد علی»، تمام شد.

در دنیا هرچه که بود تمام شد. هنوز سنگ لحد را هم نگذاشتند. یعنی بین دنیا و قبر هستم، بد گوشمالی می‌دهند. حالا کلاس بگذاریم. اشتباه نشود، نمی‌خواهم بگویم تمیز نباشیم، بیان کردند: «التَّطَاهُّ مِنَ الْإِيمَانِ» [۱۳]، من الاسلام نگفتند اما یک چیزهایی را که کلاس‌های بیخودی است، مواظب باشیم، این‌ها شهوت است.

مطلب دیگر هم فرمودند: غضب، که این غضب و شهوت، در دنیا بین انسان‌ها عداوت می‌آورد. لذا شیطان هم بارها بیان کرده من از این دو استفاده می‌کنم.

سست‌ترین دشمنان

ذیل همین بحث یک آیه شریفه را بیان کنم و ان شاء الله ادامه بحث را بعداً بیان می‌کنیم. در سوره نساء، آیه ۱۰۱ می‌فرماید: «وَ إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا» وقتی در زمین سفر می‌کنی، اگر بیم آن داشتید که کافران به شما زیان برسانند، آن موقع بر شما گناهی نیست که نماز را

کوتاه کنید، چراکه کافران دشمن آشکار شما هستند.

می‌دانید این‌جا منظور چیست؟ امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) ذیل این آیه می‌فرمایند: «أَوْهَنُ الْأَعْدَاءِ كَيْدًا مَنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ» [۱۴] «فان عداوه الكفر كفرا لنفسك» بدانید آن که به شما مکر می‌کند و برای شما عدو است، کسی که دشمن‌ترین دشمنان شماست ولی مکرش سست است، نفس شماست که اگر دقت نکنید این نفس شما، شما را به کفر می‌اندازد و منظور از این آیه شریفه این است که شما را گرفتار می‌کند، همه چیز را سبک می‌شمارید. لذا نسبت به نفستان مراقب باشید که هر کس نفس خودش را مراقبت نکرد، دیگر نسبت به مردم هم مراقبه نمی‌کند و دشمنی‌ها به وجود می‌آید.

عاقبت غفلت از دشمن

لذا فرمود: هر کسی از دشمن اصلی خودش غافل شود، دشمن بر او مسلط می‌شود و او نفسش است. «مَنْ تَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهَتْهُ الْمَكَايِدُ» [۱۵] «انها نفسك» هر که از دشمن خودش غافل شود دسیسه‌ها به او روی می‌آورد و او نیست الا نفس. نباید از دشمن غافل شد. بالاترین دشمن نفس است. همه به خاطر این دنیا است که دارند می‌جنگند.

علت جنگ افروزی غربی‌ها در عالم

یک نکته‌ای به شما بگویم که این را خود سیاستمداران آمریکایی گفتند. من نمی‌خواهم بحث سیاسی کنم، می‌خواهم بگویم که این حالت را دارد. می‌دانید علت جنگ انداختن در دنیا چیست؟ هر موقع اقتصاد غرب به خصوص آمریکایی‌ها ضعیف می‌شود، در دنیا یک جنگی راه می‌اندازند که سلاح‌هایشان را بفروشند و وقتی هم جنگ تمام شد، شرکت‌های خودشان هم برای بازسازی بیایند.

حالا من بعداً اسم آن کسی که این را که گفته خدمتتان بیان می‌کنم چون در یادداشت‌های دارم، می‌گویند: بهترین سیاست در دنیا برای ما آمریکایی‌ها این است. این‌ها همه برای دنیا است دیگر. الان در عراق دارند ورود پیدا می‌کنند. در همین یمن، بعداً می‌گویند که ما برای بازسازی آمدیم. هر جایی که جنگ می‌شود این‌ها این‌طور هستند. خیلی جالب است.

حتی در افغانستان جنگ که تمام شد، شرکت‌های فرانسوی، آلمانی و انگلیسی و آلمانی برای سهم خواهی خودشان با هم رقابت و دعوا داشتند. کانادایی‌ها هم می‌گفتند ما بیشتر سرباز آورده بودیم. لذا دیگر یک مطلبی بیان کردند و گفتند: از این به بعد هر کس که بیشتر سرباز آورد، باید بیشتر هم ببرد. خودشان می‌آیند، خودشان جنگ راه می‌اندازند و ... می‌خواهند به دنیا مسلط شوند. تمام این دشمنی‌ها برای دنیا است.

لذا فرمود: « وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ » متاع شما هم کم است. فکر نکنید خیلی است اما دنیال این دنیا هستید دیگر. لذا قرآن کریم و مجید الهی اندازها را داده است، مطالب را گفته و این ما هستیم که باید مراقبه کنیم. إن شاء الله ادامه بحث جلسات آینده.

.....

پانوشتها؛

[۱]. بقره / ۳۵ الی ۳۶

[۲]. ممتحنه / ۱

[۳]. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۴۶۲، حدیث: ۱۰۵۸۰

[۴]. الکافی، ج: ۲، ص: ۳۰۲

[۵]. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۴۶۱، حدیث: ۱۰۵۷۰

[۶]. تحف العقول، ص: ۴۲

- [۷] . مجموعه ورام، ج: ۱، ص: ۵۹
- [۸] . تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص: ۴۶۱، حديث: ۱۰۵۶۹
- [۹] . أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص: ۳۰۹
- [۱۰] . مجموعه ورام، ج: ۲، ص: ۱۱۵
- [۱۱] . مصباح الشريعة، ص: ۱۶
- [۱۲] . همزه / ۲
- [۱۳] . بحارالانوار، ج: ۵۹، ص: ۲۹۱، باب: ۸۹
- [۱۴] . عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص: ۱۲۲
- [۱۵] . تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص: ۳۳۴، حديث: 7687